



سانچس ۴ مرتبه جایزه پیچیچی را در پنج قهرمانی متوالی رئال به دست آورد



فرناندو هیرو

8

این روزها خیلی حرفی از فرناندو هیرو زده نمی شود اما او برای مدت ۱۵ سال قلب تپنده رئال مادرید بود. مشت آهنینی که در سال ۱۹۹۸ پس از ورود تیم به نوکمپ در زیر رگباری از سنگ برافراشته شد؛ نوازش محملی که گهگاهی دفاع نامطمئن را به حمله‌ای ویرانگر تبدیل می کرد. شخصیت جنجالی و خشن درون رختکن که بیرون از زمین مسابقه آرام و با وقار بود؛ بزرگترین مدافع میانی تمام تاریخ که یک سال و نیم در جایگاه برترین گلزن تیم ملی اسپانیا ایستاد و تعداد گل های زده اش در رقابت های ملی از بسیاری از مهاجمان نامدار اسپانیا بیشتر است.

و جای تردید وجود ندارد که او روزی به رئال برمی گردد. تا الان دو مرتبه به دست فلورنتینو پرس از رئال کنار گذاشته شد، اولین بار هنوز کاپیتان تیم بود در سال ۲۰۰۳، سپس یک دهه بعد به عنوان کمک مربی در زمان مربیگری کارلو آنچلوتی.

فرناندو روئیس هیرو در ماه مارس ۱۹۶۸ در «ولس-مالاگا» و در خانواده‌ای کاملاً فوتبالی به دنیا آمد. برادران بزرگترش آنتونیو و مانولو خیلی زود با باشگاه محلی دپورتیوو مالاگا قرارداد امضا کردند اما فرناندو چنین شانس نداشت. سال های زیادی را در تیم روستایی محله خود بازی می کرد. در سال ۱۹۸۴ سرانجام مالاگا او را به تیم فراخواند اما پتانسیلی که در دو برادر بزرگترش مشاهده کرده بود در فرناندو ندید و خیلی زود او را به ولس برگرداند.

پدرش هم همانند برادرانش قبلاً فوتبال بازی می کرد. فرناندو هم هنوز از بازی کردن لذت می برد. یک بار گفته بود: «آن زمان راه دیگری جز فوتبال بازی کردن نداشتیم. برای من خیلی هم خوب بود که برای روستای مان بازی کنم. خیلی خارق العاده بود. خاطراتی از آن موقع دارم که هیچ وقت فراموش نخواهم کرد.»

پسر جوان که اسطوره اش دیگو مارادونا بود چندان امید بی پیشرفت نداشت، مخصوصاً که توانسته بود جواز حضور در تیم اول مالاگا کسب کند. اگر مداخله برادرش نبود احتمالاً هیچ پیشرفتی نمی کرد. مانولو هیرو که شش سال بزرگتر از فرناندو بود مالاگا را که به تازگی به دسته پایین تر سقوط کرده بود، ترک کرد و به رئال والادولید رفت و مجدداً وارد لالیگا



در بازی بعدی رئال مادرید در غیاب سانچس بسیار عالی عمل کرد و با هت تریک میشل و گل های بوتراگوئنیو و سانتیانا توانست والنسیا را با نتیجه ۵-۰ صفر شکست دهد. آیا رئال مادرید واقعاً به خرید این بازیکن جدید مکزیکی نیاز داشت؟ بله، در ادامه معلوم می شود چرا. او هفته بعد برگشت و گل پیروزی مقابل اسپانیول را به ثمر رساند و تا انتهای فصل به میانگین یک گل در هر یک و نیم بازی دست پیدا کرد. رئال مادرید با گلزنی های سانچس، تجربه والدانو و انرژی جوانی بوتراگوئنیو بعد از شش سال قهرمان شد و همچنین عنوان قهرمانی جام یوفا را هم حفظ کرد.

در تابستان سال ۱۹۸۶ لئو بینهاکر مربی تیم شد و به بوتراگوئنیو بیشتر فرصت بازی کردن داد و والدانوی ۳۱ ساله در اکثر بازی ها از روی نیمکت بازی را تماشا می کرد. بوتراگوئنیو تنها یک بار دیگر در آن فصل موفق به گلزنی شد. ولی هماهنگی فوق العاده اش با سانچس باعث گلزنی های بیشتر این بازیکن مکزیکی شد و او توانست ۳۴ مرتبه در لالیگا گلزنی کند. صفحه رسمی رئال مادرید در آن دهه توضیح می دهد که: «خلافت بوتراگوئنیو، استحکام خط دفاعی، اطمینان در دروازه به سنگربانی فرانسیسکو بویو و گل های هوگو سانچس رئال مادرید را ستاره کرد.»

والدانو که هفتمین هپاتیت دارد در فصل ۸۸-۱۹۸۷ بازی نکرد و خیلی زود بازنشسته شد و به این ترتیب خط حمله به انحصار این دو نفر درآمد. بوتراگوئنیو و سانچس بهترین ترکیب دوتایی کشور شدند و با ۱۲ و ۲۹ گلی که به ترتیب به ثمر رساندند باشگاه را به عنوان قهرمانی دیگری هم رساندند. سه فصل متوالی تبدیل به چهار شد و چهار هم جای خود را به پنج داد و پنج کرکس و هوگل با پنج بار قهرمانی متوالی در لالیگا تاریخ ساز شدند.

سانچس ۴ مرتبه جایزه پیچیچی را در آن پنج قهرمانی به دست آورد و به ترتیب ۲۲، ۳۴، ۲۹، ۲۷ و ۳۸ مرتبه موفق به گلزنی شده بود. خیلی ها از اینکه نام سانچس و بوتراگوئنیو به طور مساوی در شمرده افتخارات تیم آورده می شود تعجب می کنند چون معتقدند سانچس ابرقهرمان و بوتراگوئنیو پیرو او بود. در حالی که اگر تلاش های بی امان بوتراگوئنیو نبود سانچس به چنین ارقام بزرگی در گلزنی دست پیدا نمی کرد. او توپ ها را جمع می کرد و نگه می داشت و تا جایی که می توانست از لو رفتن توپ ها ممانعت می کرد و آنها را به سانچس می رساند.

سانچس تقریباً تمام کننده بود و از آن بازیکنانی نبود که خودش به تنهایی بتواند موقعیت خلق کند. برای مثال در رقابت های ۹۰-۱۹۸۹ رکورد ۳۸ گلش را ثبت کرد، تمامی آن ۳۸ گل را با تک ضربه به توپ به ثمر رسانده بود. بوتراگوئنیو و بقیه بازیکنان توپ ها را به او رسانده بودند و او فقط کار را تمام می کرد.

سانچس در فصل ۹۲-۱۹۹۱ رئال مادرید را در حالی ترک کرد که با کمک بوتراگوئنیو توانسته بود ۵ قهرمانی لالیگا، ۳ سوپر جام اسپانیا و یک قهرمانی جام یوفا را به تالار افتخارات برنابئو اضافه کند. بازیکن مکزیکی ۱۸۹ مرتبه و بازیکن اسپانیایی ۱۱۴ مرتبه برای باشگاه گلزنی کرده بودند و این تعداد برابر است با ۴۳ درصد گل هایی که رئال مادرید در طی آن ۷ سال به ثمر رساند.

اسپانیا پیش از این دو نفر چنین خط حمله ای ندیده بود و رکورد هایی که این دو بازیکن به دست آورده بودند تا قبل از دوران لیونل مسی و کریستیانو رونالدو شکست ناپذیر بود. هریستو استویچکف که در مقابل آنها برای بارسلونا بازی می کرد در مصاحبه ای در سال ۲۰۰۳ گفت: «تیم رئال مادرید همیشه خوب بازی می کرد و خیلی مواقع پیروز می شدند. آنها تیم شگفت انگیزی بودند حتی بهتر از تیم رئال مادرید فعلی که طی پنج سال سه قهرمانی لیگ قهرمانان را به دست آورده است.»

«پاننکا» گفته بود: «ما لیگ قهرمانان اروپا را برنده نشدیم اما در قلب هواداران رئال مادرید حضوری پررنگ داریم.» بوتراگوئنیو زمانی عضو ترکیب رئال مادرید بود که آنها توانسته بودند پنج بار متوالی بین سال های ۱۹۸۶ تا ۱۹۹۰ قهرمان لیگ شوند. با اینکه این نسل هرگز نتوانسته بود جام گوش بزرگ را بالای سر ببرد اما در تمام مراحل دیگر بسیار عالی و افسانه ای عمل کرده بودند و به همین خاطر نسلی ارزشمند برای باشگاه هستند. حتی با وجود اینکه در قاره عنوان به دست نیاوردند، مجله «فرانس فوتبال» آنها را بهترین تیم دهه ۱۹۸۰ معرفی کرد.

آنها از خط دفاع تا نوک حمله قوی بودند اما علت اصلی موفقیت شان وجود دو مهاجم بود؛ یکی از بهترین ترکیب های تهاجمی در تمام تاریخ فوتبال. تیم رئال مادرید خیلی قدرتمند بود چون امیلیو بوتراگوئنیو و هوگو سانچس را در اختیار داشت. این دو بازیکنان خیلی متفاوتی بودند و از مسیر های خیلی متفاوت به تیم اول رئال مادرید راه پیدا کردند.

بوتراگوئنیو از آکادمی جوانان آمد و از وقتی که به دنیا آمد هوادار رئال مادرید بود. مدت ها قبل از اینکه رئال مادرید استعداد او را کشف کند اتلتیکومادرید پیشنهاد همکاری به او داده بود اما پدرش از این ایده استقبال نکرد و با باشگاه تماس گرفت تا بتواند راهی برای ورود پسرش به تیم جوانان سپیدپوشان پیدا کند.

امیلیو جوان سرانجام در باشگاه پذیرفته شد و پله ها را یکی پس از دیگری طی کرد تا جایی که تبدیل به یکی از مهره های کلیدی تیم دوم رئال مادرید که به آن کاستیا می گفتند شد و قهرمانی لیگ دسته دو اسپانیا در سال ۸۴-۱۹۸۳ را به دست آورد. پنج بازیکن با استعداد در آن تیم حضور داشتند- بوتراگوئنیو، مانولو سانچس، رافائل مارتین واسکس، میشل و میگل پاردسا- اما او اصلی ترین مهره بود و لقب این پنج نفر از نام فامیلی او «Buitre» گرفته شده که در زبان اسپانیایی به معنای کرکس است. آنها پنج کرکس (Quinta del Buitre) بودند، کلاس ۸۴.

سانچس هم سرانجام به تیم اول رئال مادرید راه پیدا کرد اما از مسیری کاملاً متفاوت. او در سال ۱۹۸۱ از مکزیکی به اتلتیکومادرید آمد. در آن تیم به حدی درخشید که هواداران فوتبال اسپانیا عاشقش شدند و به او لقب هوگل (Hugol) دادند؛ مردی که جایزه پیچیچی را به عنوان برترین گلزن لالیگا در فصل ۸۵-۱۹۸۴ دریافت کرد.

رئال مادرید شیفته او شد و می خواست او را از چنگال رقیب در آورد. می دانست که قرارداد مستقیم تقریباً ناممکن است چون اتلتیکو نمی خواست هوادارانش را خشمگین کند و همچنین بارسا هم در صدد به خدمت گرفتن این بازیکن بود. سانچس به «یونام» در زادگاهش برگردانده شد و بعد از آن به پایتخت اسپانیا برگشت و در ۱۹ جولای ۱۹۸۵ به ۵۰۰۰۰ هوادار رئال مادرید در سانتیاگو برنابئو معرفی شد.

بوتراگوئنیو و سانچس با اتحادی طوفانی قهرمانی لالیگا را به دست آوردند. با وجود تمام هیاهویی که پنج کرکس به راه انداخته بودند این پنج بازیکن خیلی کم توانستند همگی با هم در تیم بازی کنند چون پاردسا خیلی زود از تیم جدا شد و به رئال ساراگوسا پیوست. فضای خالی ای به وجود آمده بود که باید پر می شد و سانچس پنجمین عضو این گروه پنج تایی شد. او دلش می خواست لقب شان به گروه بچه های سرسخت (Quinta de los Machos) تغییر کند.

خورخه والدانو هم آنجا بود و نباید نقش پررنگش را فراموش کرد. در فصل قبل از قهرمانی جام جهانی با آرژانتین در مکزیک ۱۹۸۶، والدانو ۱۶ گل به ثمر رسانده بود، در واقع خیلی بیشتر از ۱۰ گلی که بوتراگوئنیو ۲۲ ساله زده بود. با این حال در فصل ۸۶-۱۹۸۵ پشت سر سانچس ایستاد که ۲۲ مرتبه موفق به گلزنی شده بود و تاج پیچیچی را از آن خود کرده بود. سانچس در اولین حضورش برای رئال مادرید در حالی که تیم ۲-۰ یک عقب بود در ده دقیقه آخر بازی اخراج شد و والدانو با گلی که در وقت اضافه زد نتیجه را به تساوی ۲-۲ کشاند.



پیری

12

خوزه مارتینز سانچز که همه پیری صدایش می کردند در سال ۱۹۶۴ به رئال مادرید پیوست و تا سال ۱۹۸۰ عضو باشگاه ماند. او در پستی بازی می کرد که این روزها اثری از آن وجود ندارد؛ دفاع پوششی. مدافع آخری که وظیفه جمع کردن پشت خط دفاعی را برعهده داشت. نکته جالب اما اینجا است که پیری علی رغم بازی در عقب زمین اما موفق شد ۱۷۲ گل برای رئال مادرید به ثمر برساند!

پیری که البته در برخی از بازی ها هافبک وسط هم بود در مجموع ۵۷۱ بازی برای تیم انجام داد، کاپیتان باشگاه شد و کمک کرد تا تیم به ۱۵ جام مختلف برسد. او در کارنامه ۱۰ جام لالیگا را دارد و تنها یک جام اروپایی. او عضوی مهم از تیمی بود که نسل «بیه» صدا زده می شد.



آمانیکو آمارو

11

در ۳۴۴ بازی لالیگایی ۱۱۹ گل برای تیم رئال به ثمر رساند که آمار خوبی برای بازیکنی بود که در سمت راست زمین بازی می کرد. او عضوی از تیمی که بود که چند سال بعد از قهرمانی های متعدد در اروپا می خواست دوباره به این مقام برسد و فوتبال را مدرن تر بازی کند. تیمی که میگوئل مونیز ساخت و آمارو نقشی مهم در آن داشت. آمارو در ۱۴ سال حضورش ۹ بار فاتح لالیگا شد و یک بار جام باشگاه های اروپا را برد.



امیلیو بوتراگوئنیو و هوگو سانچز

9

10

امیلیو بوتراگوئنیو در مصاحبه ای با مجله

بوتراگوئنیو زمانی عضو ترکیب رئال مادرید بود که آنها توانسته بودند پنج بار متوالی بین سال های ۱۹۸۶ تا ۱۹۹۰ قهرمان لیگ شوند

